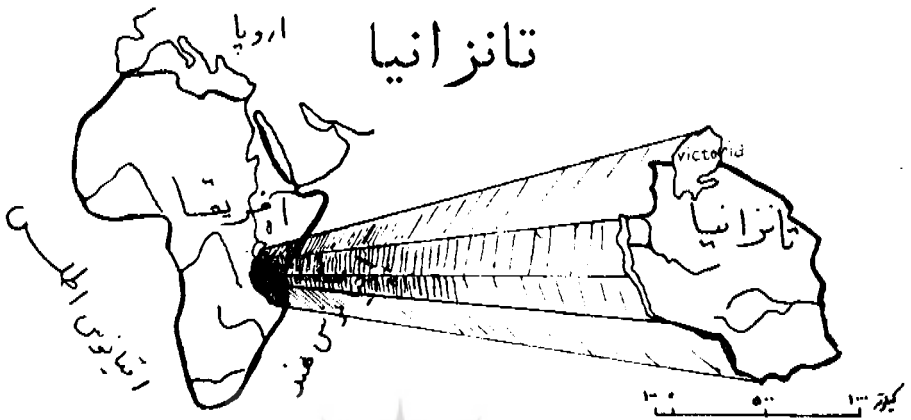


عبدالعزیز عبدالحسین ساشادینا  
 دانشجوی دانشکده ادبیات - مشهد  
 از کشور تانزانیا



خدایا برکت بفرست بر آفریقا.

و نیز بر بزرگانش ببخشای ، که همه با اتحاد و در امان باشند .

و زندگی بهتر برای آفریقا و مردمانش باشد .

برکت بفرست بر آفریقا .

برکت بفرست بر ما بچه های آفریقا .

این سرود ملی کشور تانزانیاست (۱) . تانزانیا یکی از سی و نه کشور مستقل آفریقا است که در مشرق آن قاره ، درست در جنوب خط استوا قرار دارد . این کشور از شمال به یوگاندا (۲) از شمال شرقی به کنیا (۳) ، از جنوب به موزامبیک (۴) و از مشرق به اقیانوس هند و از مغرب به کنگو «لشوپلندویل» (۵) محدود است . مساحت آن ۳۶۳۷۰۰۸ میل مربع و جمعیت آن تقریباً ده میلیون و سیصد هزار نفر است . پایتخت تانزانیا شهر دارالسلام است .

قسمت اعظم تانزانیا را فلاتی تشکیل میدهد که ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۵۰ تا ۲۰۰۰ متر است درهٔ ریفت (۶) از شمال این کشور می گذرد ، دو کنارهٔ دره در این قسمت گسترده تر است و در آن دریاچه هایی وجود دارد که از همه معروفتر دریاچه ویکتوریاست با مساحت ۲۶۸۲۸ میل مربع که از لحاظ وسعت سومین دریاچه معروف دنیاست .

قله کلیما نجارو (۷) که فراز آن همیشه پوشیده از برف است با ارتفاع ۵۸۹۰ متر در شمال تانزانیا قرار دارد . این قله نه تنها بزرگترین قله آفریقا بلکه یکی از معروفترین قله های

1 - Tanzania 2 - Uganda 3 - Kenya 4 - Mozambique 5 - Leopoldville  
 6 - Rift Valley 7 - Kilimanjaro

دنیاست و سزاست نه بجای دماوند آن را «کنندگیتی» بنامیم. دامنه این قله را جنگل انبوه و زیبایی فراگرفته که بسیار دیدنی است.

رودهای مهم تانزانیا که اغلب از همین قله سرچشمه دارند عبارتند از: پانگانی (۱) و امی (۲) روفیجی (۳). تانزانیا دارای دو فصل مهم است یکی فصل اعتدال و دیگری فصل گرما. اولی از ماه می تا اکتبر یعنی تقریباً از خرداد ماه تا آبان و دومی از نوامبر تا آوریل یعنی تقریباً از آذر تا اردیبهشت است. میزان بارندگی در فصل گرما در نزدیکی دریاچه ویکتوریا بطور متوسط به ۲۵ متر و در جنوب کشور به ۹۰ سانتیمتر میرسد.

سالها پیش از آنکه اروپائیان به این سرزمین بیایند بزرگترین منبع درآمد آنجا عاج فیل بوده است و از آن پس مردم به کشت کتان، کائوچو، قهوه، چای و پنبه دست یازیدند تا آنجا که امروزه تانزانیا یکی از بزرگترین کشورهای صادرکننده کتان جهان است.

آب و هوای گرمسیری این سرزمین استعداد پرورش درختان نارگیل، موز، پرتقال و آناناس را به فراوانی داراست و بطور کلی میتوان این کشور را، در شمار کشورهای زراعتی دانست.

تانزانیا از جنبه منابع معدنی نیز شایسته توجه است چون بزرگترین معادن الماس جهان در این کشور قرار دارد که میزان ارزش و مرغوبی جنس و مقدار آن، در جهان مشهور است. کارخانه های مهم تانزانیا یکی کارخانه پارچه بافی است در آروشا (۴) و دیگر کارخانه های قند و شکر و برق و چوب والوار و سیگار سازی است که بطور پراکنده در این کشور وجود دارند. تانزانیا موقعیت توریستی چشمگیری دارد و سالیانه جهانگردان بسیاری برای سیاحت و شکار و دیدن آثار قدیمی کیلوا کزیوانی (۵) که نمایی از تمدن ایرانی و کیلوا کوینبه (۶) که نموداری از تمدن غرب بارنگ ایرانی است بدانجا رومی آورند. گفتن این نکته نیز بیجاست که دین اکثر مردم این ملت بواسطه تماس با ایرانیان و اعراب، اسلام است و در بین اقلیتهای مذهبی شماره پیروان دین مسیح از همه ادیان دیگر بیشتر است.

### تانزانیا در تاریخ جهان:

اگرچه از نظر اکثر ملل، تانزانیا کشوری است نرسیده، و بنظر گروهی جلوه گاهی از تمدن غرب ولی گواهی تاریخ خلاف آنرا ثابت میکنند و معلوم میدارند که تانگانیکا (۷) و زنگبار دیرزمانی پیش از میلاد مسیح بوسیله هندوان، ایرانیان و اعراب و مصریان شناخته شده اند. بطلمیوس در سال ۱۵۰ میلادی در مورد آفریقای شرقی مطالبی بیان داشته است و پیش از او نیز در کتب باستانی مصر مطالب بسیاری در باره این قسمت از کره ارض آمده است.

ملتهای باستانی شرق از جمله هندوان و ایرانیان و اعراب برای تجارت به آفریقای شرقی می رفته اند چون جهت باد در شش ماه از سال چنان است که میتواند کشتی های بادبانی را از شمال بسوی سواحل آفریقای شرقی پیش براند و در ۶ ماه دیگر جریان باد عوض میشود و کشتی ها می توانستند با مال التجاره بسوی وطن خود بحرکت آیند.

اولین کسانی که به آفریقای شرقی مهاجرت کرده‌اند ایرانی‌ها و اعراب بوده‌اند بدین معنی که ایرانیان در شهرهای زنگبار و کلیواکزیوانی و اعراب در شهرهای لامو (۱) مومباسا (۲) مافیا (۳) کیلواکو نیچه ساکن شدند و به گسترش تمدن خود پرداختند از اینرو موقعی که در سال ۱۴۹۸ میلادی پرتغالی‌ها بدین سرزمین وارد شدند بیش از همه نموداری از تمدن ایرانی و اسلامی در این سرزمین بچشم دیدند .

پرتغالی‌ها بدان علت به آفریقای شرقی روی آوردند که میخواستند از راه جنوب آفریقا به هندوستان بروند و چون میبایستی فاصلهٔ بعیدی را طی کنند ناچار شدند محلی برای استراحت در بین راه برای خود بیابند از اینرو شهرهای مومباسا و زنگبار را به تصرف آوردند و از آن نواحی به عنوان قرارگاه بازرگانان خود استفاده کردند .

پرتغالی‌ها تا سال ۱۷۳۷ همچنان مومباسا و زنگبار را به تصرف داشتند تا اینکه در این سال اعراب طی جنگهای درازمدت و خونینی پرتغالی‌ها را از این سرزمین بیرون راندند . تا اینجا سخن از سواحل تانزانیا بمیان بود ، اکنون پای فراتر می‌نهیم و تاریخ خود تانزانیا را بررسی می‌کنیم :

وقتی که سید سعید بن سلطان، امام مسقط ، زنگبار را به پایتختی خود برگزید به گروهی از اعراب مابلتی پرداخت و دستور داد از سواحل به مرکز تانزانیا نفوذ کنند و تازگیهای آن ناحیهٔ ناشناخته را دریابند .

تنها تحفه‌ای که برایش آوردند عاج فیل و برده بود . این نخستین باری است که عده‌ای تا قلب جنگلهای درهم خزیده تانزانیا به پیش میروند . سعید بن سلطان نه تنها اولین کسی است که مشتاق دریافتن شگفتی‌های آن نواحی شد بلکه هم او بود که کشت میخک را در تانزانیا آغاز نهاد و چنانکه میدانید هم اکنون زنگبار یکی از مهمترین مراکز کشت میخک دنیاست .

در همین سالها کشیشی در مومباسا ، داستان‌هایی دربارهٔ عاج و برده شنید و آن اطلاعات را در کتابی گرد آورد ، اروپائیان با مطالعهٔ این داستانها تشویق شدند و راه مهاجرت آنسان به آفریقا گشوده شد . از نخستین کسانی که به تانزانیا مهاجرت کردند و شهرت زیادی دارند برتن (۴) اسپک (۵) داوید لیوینگ استون (۶) رامی توان نام برده که بین سالهای ۱۸۵۸ تا ۱۸۶۶ در این سرزمین آمده‌اند .

شاید بتوان گفت که آلمان‌ها در مستعمره ساختن آفریقا بر سایر ملل پیشی داشته‌اند . اولین آلمانی که بسوی این سرزمین آمد مردی بود بنام کارل پتر (۷) که پس از ورود با سران قبایل معاهداتی بست و اعلام کرد سراسر آفریقای شرقی مستعمرهٔ آلمان است فقط ده مایل از سواحل آفریقای شرقی را به اختیار سلطان زنگبار گذاشت .

اعراب که ورود آلمانها را مخالف مصالح خود دیدند با آنها به نزاع پرداختند. تاریخ آفریقای شرقی در این دوره سراسر یادآوری خون‌هایی است که در راه آزادی جاری شده است. از جمله کارهای مفیدی که آلمان‌ها به انجام رسانیدند ایجاد راه آهنی است از کنارهٔ اقیانوس هند تا دریاچه تانگانیکا و بسط کشت کتان و کائوچو و چای .

در جنگ جهانی اول با وجود دوری آفریقای شرقی از صحنه‌های جنگ باز از این بلای دامنگیر بی‌بهره نماند و در طرفداری از آلمان تلفات بسیاری متحمل شد و سرانجام پس از شکست آلمان، انگلستان راه بر این دیار گشود و طبق معاهده‌ای این منطقه تحت تسلط سیاسی و اقتصادی انگلستان قرار گرفت. در سال ۱۹۲۶ انگلستان یک پارلمان غیرمستقیم در تانزانیا تأسیس کرد. در سال ۱۹۵۵ این پارلمان قانونی به تصویب رساند که به موجب آن سه قوم بزرگ مقیم آفریقای شرقی، یعنی آفریقائیان بومی، آسیائیان‌ها و اروپائیان می‌توانستند در پارلمان نماینده داشته باشند.

در سال ۱۹۵۴ یک حزب قوی بنام تانو (۱) (اتحاد ملی آفریقائی تانگانیکا) به دبیر کلی جولوس نیریره (۲) تأسیس شده و مبارزات این حزب اولین انتخابات آزاد را در این کشور بوجود آورد که در آن انتخابات نیریره به نخست‌وزیری برگزیده شد و در نهم دسامبر سال ۱۹۶۱ استقلال تانگانیکا رسماً اعلام شد و از سال ۱۹۶۲ این کشور با اتخاذ حکومت جمهوری به ریاست دکتر نیریره راه نوینی در صحنه سیاست جهانی در پیش گرفت.

حزب دیگری که در زنگبار فعالیت شدیدی یافت حزب آفروشیرازی (۳) به ریاست عابیت کارومه (۴) بوده که توانست در اندک زمانی چنان قوی شود که سلطان زنگبار را از آن کشور بیرون کند. در ۲۶ آوریل سال ۱۹۶۴ تانگانیکا و زنگبار با عقد معاهده‌ای جمهوری متحدی را تشکیل دادند که ریاست آن را دکتر نیریره بدست گرفت و کارومه معان و او شد و این جمهوری جدید بنام تانزانیا خوانده شد. هنوز هم این دو نفر در صدر حکومت تانزانیا هستند.

### تاریخ زبان :

زبان سواحلی‌زبانی است مشتق از ریشه بان‌تو (۵) که پایه بسیاری از زبانهای آفریقا است و قلمرو آن از نیجریه تا حد آفریقای جنوبی و از کرانه‌های شرقی آفریقا تا کنگو گسترده است. این زبان، نخست زبان تجارت بوده است که اعراب آن را تا آفریقای مرکزی نفوذ داده اند سپس دامنه آن بوسیله اروپائیان تا کنگو کشیده شده است و شعبه‌ای از قبیله بیگمی (۶) که در کوتاهی قد معروفند بدین زبان گفتگو میکنند.

زبان بان‌تو به قوم و گروه خاص تعلق ندارد بلکه زبانی است پرورده اعراب ساحل‌نشین تانزانیا و علت نامگذاری آن بدین جهت است که اعراب ساحل‌نشین تانزانیا با زنان قبیله بان‌تو ازدواج کردند و زبان آن قبیله را در مناطقی که متصرف بودند رواج دادند.

یکی از لهجه‌های مهم بان‌تو، یوکومو (۲) است که لغات بسیاری از آن لهجه در زبان سواحلی وجود دارد و به حدس می‌توان گفت که اعراب در اولین مهاجرت خود به آفریقای شرقی به این قوم برخورد کرده‌اند.

بهر تقدیر یکی از شاخه‌های زبان بان‌تو، زبان سواحلی است که در سال ۱۸۱۴ بوسیله کشیشان مسیحی به اروپائیان شناسانده شد.

این زبان نخست بار، با خط عربی نوشته شد، هم‌اکنون کتبی از این زبان به خط عربی در موزه‌های بریتانیا و دارالسلام موجود است. در نیمه دوم قرن نوزده آلمانها خط لاتین را جایگزین خط عربی کردند و کتاب انجیل بهمین خط بوسیله کشیشان منتشر شد.

۱ - TANU (Tanganyika African National Union) 2 - Julius Nyerere

3 - Afro - Shirazi 4 - Abeid Rarume 5 - Bantu 6 - Pigmy 7 - Pokomo

نخستین لغت نامهٔ زبان سواحلی، بوسیله کرافه (۱) دانشمند آلمانی به سال ۱۸۸۲ نوشته شده و پدرم شادروان عبدالحسین ساشادینا در سال ۱۹۵۶ يك لغت نامهٔ هندی - سواحلی ترتیب داده اند که به چاپ رسید. گرچه در زبان سواحلی لغات عربی به فراوانی یافت می‌شود ولی گرامر آن تحت تأثیر زبان عربی نیست بلکه دستور زبان سواحلی لهجهٔ بانتوست.

زبان سواحلی حروف اضافه و قیود بیشماری از زبان‌های دیگر بخود پذیرفته‌است و استعداد خاصی در پذیرش لغات بیگانه دارد و از این راه بر سرمایهٔ لغوی خود می‌افزاید.

خاصیت ویژهٔ زبان سواحلی این است که در این زبان می‌توان مفهوم يك جمله را در يك کلمه یافت مثلاً جملهٔ « من اورا دیدم » در زبان سواحلی بایک کلمهٔ نیممرانا (۲) بیان میشود. زبان سواحلی بطور کلی دارای سه لهجه است و معروفترین آن سه لهجه، لهجهٔ زنگباری است که مقام آن مثل زبان تهرانی در زبان فارسی است. البته تذکر این نکته بجاست که زبان رسمی این کشور، هم اکنون زبان انگلیسی است.

در زبان سواحلی شعر نیز وجود دارد که وزنی شبیه وزن شعر عروضی عربی دارد. اولین شاعر تانزانیا لیونگوفومو (۳) است که در قرن ۱۲ یا ۱۳ میزیسته است و اشعاری بسیار ساده و دلنشین دارد. کتاب‌های منشوری نیز بهمین زبان نوشته شده است که ترجمهٔ اغلب آنها در اروپا به چاپ رسیده است.

تانزانیا در دورهٔ معاصر نویسندگان بزرگی دارد که از همه معروفتر شعبان روبرت (۴) است که نوشته‌هایش بسیار شیرین و خواندنی است.

داستانها و افسانه‌هایی در تانزانیا رواج دارد بیشتر افسانه‌هایی است متعلق به اقوام ایرانی و هندی و عرب که بر اثر گذشت زمان رنگ آفریقائی بخود گرفته‌اند.

مردم تانزانیا نیز مانند دهقانان ایتالیایی که بدون آمادگی قبلی ترانه‌هایی می‌سازند، بی‌کمک اندیشه، ترانه‌هایی ابداع میکنند و در کشتزارها و دهات و کوهستان می‌خوانند این ترانه‌ها قافیه دارند ولی ممکن است وزن نداشته باشند. این نیز گفتمی است که اصلی‌ترین آلت موسیقی در این کشور طبل است.

چون بحث دربارهٔ آداب و رسوم مردم تانزانیا از حوصلهٔ مقام بیرون است آنرا بمقالهٔ دیگر وامی‌گذاریم. و نیز لازم به تذکر است که مطالب این مقاله بیشتر از دائرة المعارف بریتانیکا و دائرة المعارف آمریکانا و دائرة المعارف بین‌المللی استخراج شده است.

**مجلهٔ یغما:** ازدوست و فرزند عزیز، عبدالعزیز ممنونم. این اطلاعات در بارهٔ کشور تانزانیا برای مردم مسلمان ایران لازم است که نخست شناسائی است و سپس دوستی. امید است نمونه‌ای از داستانها و ترانه‌ها و اشعار شعبان روبرت را به فارسی ترجمه فرماید و به مجله بفرستد. و نیز رشتهٔ رابطهٔ خود را با مجله نگسلد.